

تأثیر بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون بر افول فرهنگی، ساختارهای تمدنی و اضمحلال ممالیک

رضا دشتی*

چکیده

واکوی تأثیر عوامل مختلف در افول و اضمحلال تمدن‌ها بویژه تمدن اسلامی همواره مورد توجه محققین است. دولت مسلمان ممالیک یکی از دولت‌های مهم در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است که نزدیک به سه قرن دیرپایی داشته است. یکی از عوامل مؤثر در افول و اضمحلال ممالیک شیوع مکرر بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون بوده که ضمن تلفات زیاد انسانی، اضمحلال زیرساخت‌های آن دولت مهم در تاریخ تمدن اسلامی را هم به همراه داشته است. این مقاله با شیوه توصیفی - تحلیلی مبتنی بر اطلاعات کتابخانه‌ای، درصدد است تا تأثیر بیماری‌های وبا و طاعون را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در اضمحلال دولت ممالیک تبیین نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شیوع مکرر وبا و طاعون در عصر ممالیک چگونه تأثیرات مخربی بر اوضاع فرهنگی و بخش‌های مختلف تمدنی ممالیک داشته است و با گسترش خرافه باعث افول عقلانیت و با تضعیف زیر ساخت‌های تمدنی آن، دولت ممالیک را به ورطه افول و اضمحلال کشانده است.

واژگان کلیدی

وبا، طاعون، بیماری‌های همه‌گیر، ممالیک، افول تمدن اسلامی.

*. استادیار گروه تاریخ تمدن ملل اسلامی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. و مدرس دروس معارف اسلامی.
dashti.r2012@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

طرح مسئله

ظهور و انحطاط دولت‌های مسلمان و به تبع آن تمدن اسلامی، از حوادث بزرگ تاریخ است. انحطاط دولت‌های بزرگ مسلمانان عوامل خارجی و داخلی متعددی داشته است. همان قدر که عوامل خارجی در افول و اضمحلال فرهنگی و زیرساخت‌های تمدنی دولت‌های مسلمان نقش داشته‌اند، به همان اندازه عوامل داخلی از جمله بیماری‌های همه‌گیر مثل وبا و طاعون نیز در ورشکستگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسلمانان دخیل بوده است.

یکی از دولت‌های قدرتمند مسلمان در قرون میانه اسلامی، دولت ممالیک بوده است که در طی دوران حاکمیت خود (نزدیک به سه قرن) بر بخش‌های مهمی از جهان اسلام، همواره از شیوع بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون در رنج و عذاب بود. اهمیت دولت ممالیک در تاریخ اسلام به این است که توانستند در نبرد عین جالوت با پیروزی بر سپاهیان مغول، راه مغولان به سوی نواحی غربی دنیای خلافت اسلامی را مسدود نمایند.^۱ همچنین توانستند اروپاییان صلیبی را برای همیشه از سرزمین‌های اسلامی بیرون کنند.^۲ همچنین پس از سقوط بغداد به دست مغولان، موفق شدند که شاخه‌ای از خلافت عباسی را در مصر احیاء نمایند.^۳

حکومت ممالیک علی‌رغم گذشته باشکوه خود، رفته‌رفته دچار افول و اضمحلال گردید. لذا ضرورت دارد که پژوهشگران و محققین، تأثیر عوامل مختلفی که باعث افول و اضمحلال ساختارهای فرهنگی و تمدنی این دولت مسلمان شده و در نهایت به نابودی آن منجر شده است را واکاوی نمایند. هرچند که موضوع این دولت و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی آن از دیرباز تاکنون در مجامع علمی مورد توجه بوده است، ولی در مجموع باید گفت که نه در منابع متقدم تاریخی و نه در تحقیقات امروزی، از تاریخچه صدمات اجتماعی و تلفات ناشی از بیماری‌های عفونی وبا و طاعون که بر تمدن اسلامی و به صورت مصداقی بر دولت مسلمانان ممالیک و رعایای آن وارد شده، کمتر سخن به میان آمده است. از این رو این پژوهش با توجه به اهمیت و ضرورت پیش‌گفته، درصدد پاسخ به این پرسش است که بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون و شیوع مکرر آنها چگونه و چه تأثیری بر افول فرهنگی و اضمحلال بخش‌های مختلف تمدنی ممالیک داشته است؟

۱. ابن خلدون، العبر، ج ۴، ص ۵۶۸؛ ابوالفداء، المختصر فی أخبار البشر، ج ۳، ص ۲۰۵؛ المقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۵۱۷ - ۵۱۶ و عبده قاسم، عصر سلاطین الممالیک، ص ۸.
۲. ابوالفداء، المختصر فی أخبار البشر، ج ۴، ص ۲۵ - ۲۴؛ عبده قاسم، عصر سلاطین الممالیک، ص ۷ و ناصری طاهری، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ص ۱۱۷.
۳. السیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۵۰؛ المقریزی، السلوک، ج ۱، ص ۵۳۲ - ۵۳۱.

روش پژوهش این مقاله توصیفی - تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است که ضمن بررسی انگاره‌های تاریخی وقوع بیماری‌های واگیر وبا و طاعون در سرزمین‌های قلمرو حکومتی ممالیک (عمدتاً مصر و شام)، تأثیر مخرب آنها را در تضعیف بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - نظامی ممالیک و نهایتاً افول و اضمحلال تاریخی و تمدنی دولت ممالیک را واکاوی می‌نماید.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که هرچند درباره بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون پژوهش‌های مختلفی در دنیا صورت گرفته است، اما پرداختن به تأثیر این بیماری‌ها در اضمحلال ممالیک نوآوری پژوهش حاضر است و در پیشینه تحقیق به مورد مشابهی دست پیدا نکردیم. با این حال در خصوص پیشینه این موضوع می‌توان به این موارد اشاره کرد: عماد عنان نویسنده عرب در مقاله‌ای تحت‌عنوان «الفناء الکبیر حین هزم العثمانيين فی المصر قبل ۲۰۰ عام»، به شیوع طاعون در مصر تحت اشغال عثمانی‌ها پرداخته و بیان می‌دارد که عثمانی‌ها به لحاظ پزشکی پیشرفته‌تر از ممالیک بودند و آنها توانستند این همه‌گیری را در مصر ریشه کن سازند، در این مقاله اشاره‌ای به تأثیر وبا و طاعون در اضمحلال ممالیک نشده است. امین الجمیل دیگر نویسنده عرب نیز در مقاله‌ای تحت‌عنوان «امراض مصر و سوريا» تنها به تاریخچه بسیار مختصر و ناقصی از بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون پرداخته است و اشاره‌ای به نقش و تأثیر وبا و طاعون در اضمحلال ممالیک ننموده است.

مایکل والتر دالس^۱ از نویسندگان انگلیسی زبان، در کتاب *طاعون و افول تمدن اسلامی* به بررسی بیماری همه‌گیر طاعون پرداخته و ابعاد گوناگون دینی، پزشکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن را در خاورمیانه اسلامی مورد بررسی قرار داده است. همچنین نوکت وارلیک^۲ نویسنده ترک‌تبار انگلیسی زبان، در کتاب *شیوع طاعون در مدیترانه اسلامی*^۳ به گسترش طاعون و سایر بیماری‌های همه‌گیر در دوره امپراطوری عثمانی پرداخته و نگرش‌ها و واکنش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به مقوله بیماری واگیر طاعون را بررسی نموده است، او فقط اشاره‌ای مختصر به شیوع این بیماری در مصر در دوره عثمانی نموده است.

فرانک ام اسنودن، در کتاب جدید خود با عنوان *اپیدمی و جامعه: از مرگ سیاه (طاعون) تا به امروز*^۴ تنها به صورت کلی اشاره‌ای به شیوع بیماری طاعون در حوزه مدیترانه، روش‌های شیوع بیماری،

1. Michael Walters Dols.

2. Nukhet Varlik.

3. Plague and Contagion in the Islamic Mediterranean.

4. Epidemics and Society: From the Black Death to the Present.

نقش آن در شکل‌گیری سیاست‌های جدید و چگونگی درهم شکستن تبعیض نژادی و اقتصادی نموده است.

هیچ‌کدام از مورخین داخلی و یا خارجی به‌طور خاص تاکنون به موضوع «تأثیر بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون بر افول فرهنگی، ساختارهای تمدنی و اضمحلال ممالیک» نپرداخته‌اند و مقاله یا کتابی با این عنوان یا موضوعی نزدیک به آن رؤیت نشده است.

واژه‌شناسی و تاریخچه: وبا و طاعون

مروری بر تاریخ بیماری‌های همه‌گیر^۱ می‌تواند به درک حال و آینده وقایع جاری کمک خوبی نماید. جامعه بشری تاکنون چندین بار بیماری‌های دنیاگیر را تجربه کرده است، از جمله: جذام، طاعون، آبله، وبا، آنفولانزا، ایدز ... و اخیراً هم کرونا. هر یک از این بیماری‌ها تاریخچه‌ای دارد و هر کدام در زمان شیوع و همه‌گیری، تأثیرات عمیقی بر زندگی اجتماعی، سیاست، اقتصاد و حتی فرهنگ بشریت از خود برجای گذاشته‌اند. از آنجایی که بیماری‌های همه‌گیر مورد بحث این مقاله، وبا و طاعون است، در ذیل به واژه‌شناسی و تاریخچه مختصری از این دو بیماری پرداخته می‌شود.

وبا: وبا، مرگامری یا کالرا،^۲ یک عفونت در روده باریک است که از طریق آب توسط باکتری ویبریو کلرا ایجاد می‌شود. این باکتری با نوشیدن آب آلوده یا خوردن ماهی نپخته یا خوردن صدف‌ها وارد بدن می‌شود. بیشترین راه انتقال وبا، سبزی‌های آلوده است. سبزی‌هایی که در هنگام کاشته شدن با کود انسانی تغذیه می‌شوند، دارای بیشترین آلودگی هستند. براساس شواهد تاریخی هیچ حادثه‌ای هولناک‌تر از وبا نبوده است. وبا در طول تاریخ هفت بار همه‌گیری جهانی گسترده‌ای داشته است که آخرین همه‌گیری جهانی آن مربوط به سال ۱۹۶۱ م است که از آسیا شروع شد و ادامه آن به آفریقا، اروپا و اقیانوسیه گسترش یافت و ادامه آن همچنان در بعضی از مناطق و کشورهای جهان وجود دارد.^۳

طاعون: طاعون^۴ یکی از قدیمی‌ترین بیماری‌های واگیر و خطرناک شناخته شده‌ای است که هنوز به‌صورت آندمیک (بومی) در مناطقی از جهان باقی مانده است. عامل بیماری طاعون باکتری یرسینیا

1. pandemic.

2. Cholera.

۳. اسماعیل زاده، «ایمونوبیولوژی وبا»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی زنجان*، ش ۳۴، ص ۶۱ - ۶۹؛ میرصالحیان و دالوند، «تاریخچه بیماری‌های عفونی باکتریایی شایع در ایران»، *مجله میکروبیولوژی پزشکی ایران*، ش ۴، ص ۲۳۲:

Murray PR & Other "Medical Microbiology", 3rd Edition, Mosby, p. 156 - 157, 245 - 249.

4. Plague.

پستیس^۱ است که در سال ۱۸۹۴ م توسط الکساندر یرسین^۲ کشف شده است و در انسان به سه شکل طاعون خیارکی، طاعون ریوی و طاعون خونی دیده می‌شود. مخزن بیماری در طبیعت، جوندگان وحشی هستند که عامل بیماری توسط کک به حیوانات مختلف و انسان منتقل می‌شود. مهمترین منبع آلودگی انسان، نیش کک آلوده است. شکار حیوانات، تله‌گذاری و نگهداری از سگ و گربه، خطر ابتلا به بیماری را برای انسان زیادتر می‌کند. سردرد، تب، ضعف، درد اندام‌ها، آشفستگی روانی همراه با تورم دردناک و حاد گره‌های لنفی یا خیارک از علائم آن است. در حالت معمولی بعد از یک هفته خیارک‌ها ترکیده و چرک از آنها خارج می‌شود و سپس التیام می‌یابد اما در مواردی خون‌ریزی زیر پوست با بروز کژنه‌های سیاه منجر به زخم‌هایی کشنده می‌شوند و به همین دلیل طاعون به «مرگ سیاه» معروف شده است.^۳

اولین همه‌گیری طاعون در سال‌های ۵۴۴ - ۵۴۱ میلادی از مصر آغاز شد و به سرعت به سایر نواحی غرب و جنوب غرب آسیا و اروپا گسترش یافت. پس از آن، همه‌گیری طاعون کشورهایی از شمال آفریقا، مرکز و جنوب آسیا را نیز درگیر خود کرد. همه‌گیری دوم طاعون بین قرن‌های ۸ تا ۱۴ میلادی رخ داد که بین ۱۷ تا ۲۸ میلیون اروپایی را به کام مرگ کشاند. سومین همه‌گیری طاعون از سال ۱۸۹۲ میلادی، از چین آغاز گردید و به سایر نقاط جهان گسترش یافت.^۴

بررسی گزارش‌های تاریخی شیوع بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون در عصر مماليك

منابع تاریخی عصر مملوکی، شیوع مکرر بیماری‌های همه‌گیر به‌ویژه وبا و طاعون را در طی حکومت مماليك و در گستره جغرافیایی آن دولت بزرگ مسلمان ثبت کرده و گزارش‌های مربوط به آن را ارائه نموده‌اند. قابل ذکر است که شیوع و همه‌گیری این بیماری‌ها در ازمینه‌های تاریخی مختلف، خاص سرزمین مصر و یا سایر قلمروهای حکومت مماليك نبوده است بلکه در بسیاری از مواقع بدلیل شیوع جهانی و منطقه‌ای بیماری‌های وبا و طاعون، این بیماری‌ها دامن‌گیر مردمان و رعایای دولت مسلمان مماليك هم شده است.

نخستین گزارش بیماری‌های وبا و طاعون در عصر مماليك از سال ۶۵۶ ق در زمان سومین امیر

1. Yersinia Pestis.

2. Alexandre Yersin.

۳. مفیدی (مترجم)، فرهنگ فشرده پزشکی آکسفورد، ص ۶۱۸؛ کثیری و افشاری‌فرد، «تحلیلی بر گسترش بیماری طاعون در دوران فترت و تیموری»، مجله تاریخ اسلام و ایران، ش ۲۴، ص ۱۲۲؛

erry & Fetherston, "Yersinia Pestis: etiologic agent of Plague", *Clin Microbiol Reviews*, Vol. 10, P. 37 - 38.

۴. پایگاه تحقیقاتی بیماری‌های نوپدید و بازپدید، انستیتو پاستور ایران، ذیل کلمه طاعون.

مملوکی، المنصور نورالدین علی بن ایبک (۶۵۵ - ۶۵۸ ق) و در سرزمین شام ارائه شده است. این شیوع وبا و طاعون باعث گرانی اجناس و به دنبال آن قحطی، آشوب و ناآرامی در سرزمین شام و متعاقب آن در مصر شد.^۱ در سال‌های ۶۷۲ ق و ۶۹۴ ق دوباره وبا در مصر شیوع یافت و بسیاری از مردم به‌ویژه زنان و کودکان را از پای درآورد.^۲

در سال ۷۰۹ ق به دلیل کاهش آب رودخانه نیل، قحطی و گرسنگی زیاد، قیمت مواد غذایی گران و متعاقب آن بیماری‌های شدیدی از جمله وبا در میان مردم مصر همه‌گیر شد.^۳ در سال ۷۱۶ ق مجدداً و پس از یک تغییر وضعیت جوی، شیوع بیماری وبا در مصر اتفاق افتاد.^۴ همچنین چهار سال بعد از آن یعنی در سال ۷۲۰ ق بیماری طاعون شدیدی در مصر شیوع یافت، به‌گونه‌ای که «گفته‌اند خانه‌ای از آن در امان نماند».^۵ یازده سال بعد یعنی در سال ۷۳۱ ق نیز بیماری وبا در مصر همه‌گیر شد و درد و بیماری در همه سرزمین مصر گسترش یافت.^۶

شدیدترین همه‌گیری جهانی وبا و طاعون مربوط به سال ۷۴۹ ق بود که مصر و سایر قلمرو حکومتی ممالیک نیز از آن متأثر گردیدند. این واقعه در خاورمیانه اسلامی به «مرگ بزرگ» (الفناء الکبیر) یا «وبای سیاه» و در اروپا به نام مرگ سیاه^۷ و طاعون سیاه معروف شد.^۸ این همه‌گیری در قاهره و سایر مناطق مصر روزانه هزاران نفر را از پای درمی‌آورد، به نحوی که تلفات قاهره به نهصد هزار نفر رسید و سلطان و تمام کسانی که توانایی داشتند، از قاهره گریختند، غزه در فلسطین در یک ماه بیست و دو هزار نفر تلفات داشت و در حلب در مواردی روزانه حتی تا پنج هزار نفر هم کشته شده‌اند،^۹ اکثر مشاغل نابود گردید و مشغله اکثر مردم کفن و دفن مردگان شد، بسیاری از اجساد یا در کوچه و معابر رها شده بودند و یا در برخی از مناطق، آنان را در گورهای دسته‌جمعی دفن می‌کردند.^{۱۰}

در سال ۷۶۹ ق طاعون وحشتناکی ابتدا در قاهره و سپس در کل مصر شیوع پیدا کرد، تا جایی

۱. العینی، عقد الجمان، ج ۱، ص ۱۸۸ - ۱۸۷.

۲. مقریزی، السلوک، ج ۲، ص ۸۷؛ العینی، عقد الجمان، ج ۲، ص ۱۲۰ و ابن فرات، تاریخ ابن فرات، ج ۷، ص ۱۰.

۳. مقریزی، السلوک، ج ۲، ص ۴۳۱؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۸، ص ۲۴۳.

۴. مقریزی، السلوک، ج ۲، ص ۵۱۶؛ عبده قاسم، النيل، ص ۱۳۰.

۵. ابن الوردی، تاریخ ابن الوردی، ج ۲، ص ۳۳۹.

۶. ابن ایبک، کنز الدرر و جامع الفرر، ج ۸، ص ۳۶۴.

7. Black Death.

۸. مقریزی، السلوک، ج ۴، ص ۹۰ - ۷۸؛ همان، المواعظ، ج ۲، ص ۳۲۱؛ نک: العینی، عقد الجمان، ج ۶ / ذیل حوادث

۷۴۹ ق؛ سیوطی، حسن المحاضر، ج ۲، ص ۳۰۳؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۱۰، ص ۲۰۹ - ۲۰۴.

۹. حتی، تاریخ عرب، ص ۸۶۲ - ۸۶۱.

۱۰. مقریزی، السلوک، ج ۴، ص ۹۰ - ۷۸؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۱۰، ص ۲۰۹ - ۲۰۴.

که تعداد کشته‌شدگان تنها در شهر قاهره در روز از یکصد نفر فراتر رفت. این همه‌گیری به مدت چهار ماه ادامه یافت و در سرزمین مصر صد هزار نفر را به کام مرگ کشاند.^۱

در سال ۷۷۵ ق وبا ابتدا از شام و دمشق آغاز شد،^۲ سپس به دنبال آن در سال ۷۷۶ ق قحطی در مصر بروز کرد، به نحوی که هر روزه تعداد دویست فوتی و پانصد نفر بیمار بستری برجای می‌گذاشت.^۳ این بیماری ادامه‌دار شد و در سال بعد یعنی سال ۷۷۷ ق شدت و گسترش بیشتری یافت تا حدی که به فاجعه تبدیل شد و از نتایج آن گرسنگی شدید مردم، روی آوردن مردم به خوردن سگ و گربه و بدتر از آن جسدخواری و آدم‌خواری و فروش اولاد و فرزندان به دلیل فقر شدید و عدم توانایی در سیر کردن و زنده نگه داشتن آنان بود. برخی از منابع این فجایع را ناشی از گسترش وبا عنوان کرده‌اند.^۴

در سال ۷۸۳ ق طاعون در شهر بندری اسکندریه پدیدار گشت و دامنه آن به شهر قاهره، پایتخت دولت ممالیک، گسترش یافت و بالغ بر سیصد تن در قاهره بر اثر این بیماری تلف شدند.^۵ همچنین در سال ۷۹۰ ق ابتدا طاعون در قاهره و حومه آن پدیدار شد و متعاقب آن وبا هم شیوع یافت، این بیماری (وبا) تا سال ۷۹۱ ق گریبانگیر مردم قاهره و نواحی اطراف آن بود و تعداد زیادی از مردم به واسطه آن از بین رفتند.^۶ در سال‌های ۷۹۷ ق، ۷۹۹ ق و ۸۰۰ ق نیز شیوع وبا، باعث رکود شدید اقتصادی در قلمرو ممالیک شد.^۷

همچنین در سال ۸۱۰ ق انتشار گسترده بیماری طاعون در تمام سرزمین مصر گزارش شده است.^۸ با ادامه بیماری طاعون در مصر در سال ۸۱۲ و ۸۱۳ ق، این بیماری به سایر سرزمین‌های قلمرو ممالیک یعنی سرزمین شام و شهرهای حماه و طرابلس سرایت کرد و باعث هلاکت جمعیت

۱. مقریزی، السلوک، ج ۴، ص ۳۱۹؛ سیوطی، حسن المحاضره، ج ۲، ص ۳۰۳ (سیوطی این بیماری را وبا عنوان کرده است).

۲. ابن حجر، أنباء الغمر بأبناء العمر، ج ۱، ص ۳۳.

۳. مقریزی، السلوک، ج ۴، ص ۳۷۴؛ سیوطی، حسن المحاضره، ج ۲، ص ۳۰۵.

۴. ابن حجر، أنباء الغمر بأبناء العمر، ج ۱، ص ۱۰۵.

۵. مقریزی، السلوک، ج ۵، ص ۱۰۱؛ سیوطی، حسن المحاضره، ج ۲، ص ۳۰۶.

۶. مقریزی، السلوک، ج ۵، ص ۲۰۶؛ ابن حجر، أنباء الغمر بأبناء العمر، ج ۱، ص ۳۴۳؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۱۱، ص ۳۳۲؛ ابن صیرفی، نزهة النفوس، ج ۱، ص ۱۶۸.

۷. مقریزی، السلوک، ج ۵، ص ۳۶۷؛ العینی، عقد الجمان، ج ۷، ص ۳۴۶؛ مقریزی، السلوک، ج ۵، ص ۴۱۰؛ ابن حجر، أنباء الغمر بأبناء العمر، ج ۲، ص ۸.

۸. سیوطی، حسن المحاضره، ج ۲، ص ۳۰۸.

زیادی از مردمان قلمرو ممالیک در مصر و شام گردید.^۱

سیوطی و ابن حجر عسقلانی انتشار مجدد بیماری طاعون در مصر را در سال ۸۱۶ - ۸۱۷ ق، گزارش نموده‌اند.^۲ این همه‌گیری طاعون که از سال ۸۱۶ ق در مصر آغاز شده بود، با افت و خیز تا سال ۸۲۳ ق ادامه یافت.^۳ البته در برخی از این سال‌ها، شیوع طاعون نه‌تنها در مصر و سایر قلمرو ممالیک جولان می‌داد، بلکه در مواقعی این بیماری از مرزهای منطقه‌ای عبور کرده و در گستره‌ای جهانی از شرق تا غرب عالم را دربر می‌گرفته است؛ از جمله در سال ۸۲۲ ق برابر با سال ۱۴۱۹ م که همه‌گیری طاعون در ابعاد جهانی بوده است.^۴

ابن حجر عسقلانی انتشار وبا و طاعون در سال ۸۲۸ ق در بنادر اسکندریه و دمیاط مصر را گزارش کرده و می‌نویسد که بر اثر این بیماری جمعیت زیادی به‌ویژه بسیاری از بردگان و اطفال مردند.^۵ در سال ۸۳۱ ق بیماری وبای شدیدی در مصر علیا (منطقه الصعيد بین الجیزه تا اسوان مصر) شیوع یافت و بسیاری از مردم را به هلاکت انداخت.^۶

این بیماری (وبا) در مصر ادامه یافت و در سال ۸۳۳ ق مجدداً از قاهره آغاز شد و به سایر سرزمین‌های ساحلی دریای مدیترانه سرایت کرد.

از اواخر سال ۸۴۷ ق بیماری طاعون مجدداً در مصر شیوع یافت، این بیماری تا پایان سال ۸۴۸ ق استمرار یافت و هزاران نفر، به‌ویژه اطفال و بردگان را به کام مرگ کشاند. اوج این بیماری در مصر در ماه صفر این سال بود که تنها در شهر قاهره و حومه آن بیش از پانصد نفر از طاعون هلاک شدند که بیشتر آنان نیز از اطفال و بردگان این شهر بودند.^۷ ابن تغری بردی شیوع مجدد بیماری طاعون در سرزمین مصر را از سال ۸۵۲ ق تا سال ۸۶۴ ق گزارش نموده است.^۸

در بهار سال ۸۸۸ ق بیماری‌های سخت و شدیدی (احتمالاً وبا و یا طاعون) در بین مردم مصر و

۱. ابن حجر، *أنباء الغمر بأبناء العمر*، ج ۳، ص ۵۶؛ ابن تغری بردی، *النجوم الزاهرة*، ج ۱۳، ص ۱۷۸.

۲. ابن حجر، *أنباء الغمر بأبناء العمر*، ج ۳، ص ۳۹؛ سیوطی، *حسن المحاضر*، ج ۲، ص ۳۰۹.

۳. ابن حجر، *أنباء الغمر بأبناء العمر*، ج ۳، ص ۸۷ و ۱۹۹، نک: سیوطی، *حسن المحاضر*، ج ۲، ص ۳۰۹؛ العینی، *عقد الجمان*، ج ۸، ص ۲۴۸.

۴. نک: سیوطی، *حسن المحاضر*، ج ۲، ص ۳۰۹؛ ابن حجر، *أنباء الغمر بأبناء العمر*، ج ۴، ص ۱۹۱؛ ابن تغری بردی، *النجوم الزاهرة*، ج ۱۴، ص ۱۵۷.

۵. همان، ج ۳، ص ۲۱۷.

۶. همان، ص ۴۰۶.

۷. ابن حجر، *أنباء الغمر بأبناء العمر*، ج ۴، ص ۲۲۴؛ ابن تغری بردی، *النجوم الزاهرة*، ج ۱۵، ص ۸۴۸.

۸. ابن تغری بردی، *النجوم الزاهرة*، ج ۱۵، ص ۳۸۷ و ج ۱۶، ص ۱۳۸ - ۱۳۵.

سایر قلمروهای حکومتی دولت مسلمان ممالیک شیوع یافت و به سبب آن گروه زیادی از مردم از بین رفتند.^۱ یازده سال بعد یعنی در سال ۸۹۷ ق مجدداً بیماری طاعون در مصر شیوع یافت و تعداد بسیار زیادی از مردم را به کام مرگ کشاند. ابن‌ایاس تعداد کشته‌شدگان مصری را در این همه‌گیری رقم دویست هزار نفر اعلام کرده است.^۲

در ماه رجب سال ۹۰۳ ق بیماری طاعون شدیدی در مصر پدیدار گشت و در ماه شعبان به اوج خود رسید. این بیماری گروه زیادی از افراد طبقه حاکمه ممالیک، اعم از خاندان سلطنتی و امراء و وزرای حکومتی و سایر ساکنان قلعه یا ارگ حکومتی مصر را به کام مرگ کشاند، غیر از آنان آمار کودکان و بردگان قربانی طاعون هم در این سال بسیار بالا بوده است.^۳

طاعون در سال‌های بعد یعنی سال ۹۰۴ ق، ۹۰۹ ق و ۹۱۰ ق با شدت کمتری در مصر وجود داشته و بیشتر از مسافران و رهگذران و بیگانگان ساکن مصر قربانی گرفته است تا از بومیان مصری.^۴

در سال بعد این بیماری شدت گرفت و مجدداً تعداد زیادی از افراد خاندان سلطنتی و طبقه حاکمه مصری، از جمله امراء لشکری و وزرای کشوری و سایر مقامات حکومتی را به کام مرگ برد.^۵ در سال ۹۱۲ ق بیماری طاعون در منطقه مصر علیا (منطقه الصعيد بین الجیزه تا اسوان مصر) شیوع یافت که از تلفات آن گزارشی نشده است.^۶ این بیماری در سال ۹۱۸ ق نیز در بنادر اسکندریه، رشید و سایر مناطق ساحلی مصر و کرانه‌ای شام شیوع یافت ولی به سایر مناطق پس‌کرانه‌ای و داخلی مصر و به‌ویژه قاهره سرایت نکرد و گزارشی هم از آمار تلفات آن ارائه نشده است.^۷ آخرین گزارش بیماری طاعون در دوره حاکمیت ممالیک بر قلمرو پهناور مصر، شام و حجاز، مربوط به طاعون سال ۹۱۹ ق در مصر و فلسطین است که ضمن کشتار وسیع، مردم مصر و شامات را به فلاکت انداخت.^۸

۱. ابن‌ایاس، *بدائع الزهور*، ج ۳، ص ۲۰۰؛ شبارو، *دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام*، ص ۱۵۹.

۲. ابن‌ایاس، *بدائع الزهور*، ج ۳، ص ۲۷۶؛ شبارو، *دولت ممالیک*، ص ۱۵۹.

۳. ابن‌ایاس، *بدائع الزهور*، ج ۳، ص ۳۸۷.

۴. همان، ص ۴۱۱.

۵. همان، ج ۴، ص ۷۷؛ شبارو، *دولت ممالیک*، ص ۱۵۹.

۶. ابن‌ایاس، *بدائع الزهور*، ج ۳، ص ۹۶؛ شبارو، *دولت ممالیک*، ص ۱۵۹.

۷. ابن‌ایاس، *بدائع الزهور*، ج ۴، ص ۲۹۵.

۸. همان، ص ۲۹۸، ۲۹۹ و ۳۵۷.

تأثیر بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون بر افول و اضمحلال بخش‌های مختلف

فرهنگی و تمدنی مماليك

مورخان تاکنون به نقش عوامل متعدد داخلی و خارجی همچون بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، کاهش مکرر آب رودخانه نیل، قحطی و گرسنگی و هجوم خارجی، در افول و اضمحلال دولت مسلمان مماليك پرداخته‌اند، ولی از جمله بحران‌های مخوفی که در طی سالیان متمادی حکومت مماليك، به صورت مکرر خودنمایی می‌کرد و اثرات مخرب و عمیقی بر پیکر جامعه و حاکمیت عصر مماليك می‌گذاشت، شیوع مکرر بیماری‌های مهلک وبا و طاعون بوده است، عاملی که کمتر به تأثیر مخرب آن بر افول و اضمحلال بخش‌های مختلف فرهنگی و تمدنی مماليك پرداخته شده است.

از بعد فرهنگی و مذهبی، اصولاً مماليك برجی شیوع بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون را تفسیر دینی و اخلاقی می‌کردند و عامل آن را غضب خداوند به علت انحطاط اخلاقی و گسترش فسق و فجور می‌دانستند.^۱ این دیدگاه باعث می‌شد تا دولت مماليك دو رفتار از خود بروز دهد: یکی برخورد با عوامل فساد اخلاقی و دیگری درخواست از مردم و برنامه‌ریزی برای برگزاری عبادات عمومی.^۲

ابن صیرفی مورخ معاصر مماليك برجی می‌نویسد که در شیوع طاعون در سال ۸۴۱ ق سلطان برسبای (حک. ۸۲۵ - ۸۴۱ ق) مجلسی از فقها تشکیل داد و از آنها در مورد رابطه گناه و طاعون پرسید. آنها ضمن تأیید ارتباط طاعون با زنا و فساد، از سلطان خواستند تا از تردد زنان در بازارها و معابر جلوگیری نماید.^۳ این رفتار در عصر مماليك برجی، قبل و بعد از برسبای نیز معمول بوده است چرا که سایر سلاطین مملوکی در همه‌گیری طاعون و وبای سال‌های قبل نیز اقداماتی مشابه برسبای انجام می‌داده‌اند.^۴

مماليك در سال ۸۴۱ ق به مأموران دستور دادند تا به منازل یهودیان و مسیحیان حمله برند و ظروف محتوی مشروبات و مسکرات را از بین ببرند. ابن صیرفی تعجب خود را درباره این قبیل رفتار، این‌گونه بیان می‌کند: «عجیب است در هر سال زمانی که موعد میگساری و شراب‌سازی فرا می‌رسد با دادن غسل و نگرفتن بهای آن، یهودیان و مسیحیان را کمک می‌کنند، چگونه این کارهای

۱. عبده قاسم، عصر سلاطین مماليك، ص ۱۷۴؛ ناصری طاهری، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی، ص ۱۷۶.

۲. ابن صیرفی، نزهة النفوس، ج ۳، ص ۴۰۶ - ۴۰۴؛ عبده قاسم، عصر سلاطین مماليك، ص ۱۷۹ - ۱۷۸.

۳. ابن صیرفی، نزهة النفوس، ج ۳، ص ۴۰۵ - ۴۰۴.

۴. همان، ۱، ص ۱۶۸؛ ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۳، ص ۷۷ و ۳۰۴ - ۳۰۳.

متناقض را می‌توان باور کرد.^۱ عبده قاسم ضمن بیان نظر ابن‌صیرفی معتقد است که این سیاست‌های نظارتی و هدایتی فرهنگی - مذهبی ممالیک و سخت‌گیرانه‌ی آنان صرفاً مربوط به زمان بحران‌ها و بیماری‌ها بود و چون اوضاع آرام می‌شد، مراقبت‌های اجتماعی و فرهنگی هم سست می‌شده است.^۲

به نظر می‌رسد که این نگاه خاص دولت ممالیک برجی به بیماری‌های همه‌گیر، باعث گسترش خرافه، عوام‌گرایی و کاهش عقل‌گرایی در عموم مردم و در نهایت افول عقلانیت در آن عصر گردیده است.

از بعد اجتماعی و اقتصادی، اولین تأثیر مخرب شیوع بیماری‌های همه‌گیر، به‌ویژه وبا و پس از آن طاعون، در طی نزدیک به سه قرن حاکمیت دولت مسلمان ممالیک در سرزمین‌های مصر و شام و حجاز و غیره، کاهش شدید جمعیتی قلمرو حاکمیتی ممالیک، در پی مرگ‌ومیرهای متعدد ناشی از این بیماری‌ها بوده است. شیوع مکرر بیماری وبا در مصر - که از پیامدهای کاهش آب رود نیل بود^۳ - قحطی، گرسنگی و از بین رفتن مردمان بومی مصر و شام که عمدتاً کشاورزان بودند را به دنبال داشت. در طی این سال‌ها، شیوع مکرر بیماری، آسیب‌پذیرترین قشر جامعه ممالیک یعنی رعایای کشاورز به همراه زنان و کودکانشان را به کام مرگ می‌کشاند، به‌گونه‌ای که بسیاری از شهرهای کوچک و به‌ویژه روستاهای مصر خالی از سکنه و جمعیت شدند.^۴ مرگ‌ومیر این گروه از قربانیان که نیروی مولد دولت ممالیک بودند و تولید مواد غذایی اعم از محصولات کشاورزی و دامپروری جامعه مملوکی را برعهده داشتند، کاهش شدید تولیدات مواد غذایی و آذوقه عمومی و ضعف بنیه اقتصادی دولت ممالیک را به دنبال داشته است.^۵

به‌طور کلی در بخش جمعیت، اثر عمده شیوع مکرر بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون، مرگ صدها هزار نفر از رعایای کشاورز مصری و شامی و چارپایان و سایر جانداران آنها بوده است و متعاقب آن گرانی و قحطی مواد غذایی و کاهش شدید دارو و ملزومات پزشکی مورد نیاز مردم را سبب می‌شده است.^۶ وقوع چنین آسیب‌هایی در سال‌های پایانی حکومت ممالیک، به‌طور مکرر

۱. ابن‌صیرفی، ج ۳، ص ۴۰۶.

۲. عبده قاسم، *عصر سلاطین ممالیک*، ص ۱۸۰.

۳. ابن‌تغری بردی، *النجوم الزاهرة*، ج ۸، ص ۲۴۳؛ مقریزی، *السلوک*، ج ۲، ص ۴۳۱.

۴. ابن‌تغری بردی، *النجوم الزاهرة*، ج ۱۴، ص ۳۳۷ - ۳۴۰؛ ابن‌حجر، *أنباء الغمر بأبناء العمر*، ج ۳، ص ۴۳۸؛ السیوطی، *حسن المحاضر*، ج ۲، ص ۳۰۹.

۵. شبارو، *دولت ممالیک*، ص ۱۵۹؛ کریمیان و دیگران، «ضعف و سقوط حکومت ممالیک: دلایل و زمینه‌های اقتصادی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، ش ۲۲، ص ۹۵.

۶. العینی، *عقد الجمان*، ج ۳، ص ۲۷۶ - ۲۷۵؛ مقریزی، *السلوک*، ج ۲، ص ۲۶۱؛ السیوطی، *حسن المحاضر*، ج ۲، ص ۲۹۸ - ۲۹۷؛ ابن‌الوردی، *تاریخ ابن‌الوردی*، ج ۲، ص ۲۲۳ و ۳۳۳؛ ابن‌ایاس، *بدائع الزهور*، ج ۱، ص ۳۹۰ - ۳۸۹؛ ناصری طاهری، *مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی*، ص ۱۷۷.

گزارش شده است.^۱ این اتفاقات، نهایتاً منجر شد به نارضایتی عمومی به‌ویژه در طی سال‌های پایانی حکومت ممالیک و استقبال مردم از نیروی مهاجم عثمانی برای تغییر در ساختار سیاسی و جایگزینی حاکمیت جدید و مقتدری که بتواند آنان را از مشکلات نجات دهد.

از آنجایی که یکی از کانون‌های سنتی طاعون‌خیز جهان، شمال آفریقا بوده و اولین همه‌گیری ثبت شده طاعون در جهان نیز از مصر شروع شده و از آنجا به سایر نقاط جهان گسترش یافته بود،^۲ به نظر می‌رسد که مردمان بومی و ساکنان شمال آفریقا از نوعی مقاومت و مصونیت نسبی در برابر باکتری طاعون برخوردار بودند و در سال‌هایی که بیماری طاعون از نوع خفیف یا متوسط بود، بومیان بالغ اعم از زن و مرد کمتر بیمار می‌شدند و معمولاً افراد بومی بالغ در برابر حجم بالایی از باکتری یا طاعون شدید آلوده می‌شدند. لذا همه‌گیری بیماری طاعون بیش از همه، غیر بومیان یا بیگانگان ساکن در مصر و شام یعنی ممالیک را از بین می‌برد، چنان‌که بسیاری از سپاهیان ممالیک و خاندان سلطنتی در اثر همه‌گیری‌های طاعون از بین رفتند.^۳

از بعد سیاسی باید گفت که چون بسیاری از افراد طبقه حاکمه و افرادی از خاندان سلطنتی و امرا و وزرای مملوکی، برخی بر اثر وبا و عمدتاً بر اثر طاعون سال‌های ۶۵۶ ق، ۷۶۲ ق، ۸۳۳ ق، ۸۴۱ ق، ۹۰۳ ق، ۹۱۰ ق و ۹۱۹ ق کشته شدند،^۴ به نظر می‌رسد که این مسئله باعث تضعیف طبقه حاکمه ممالیک که باید کشور را اداره کنند شده است و اضمحلال دولت مملوکی را از لحاظ سیاسی تسریع بخشیده است.

از بعد نظامی، از آنجایی که جمعیت زیادی از غلامان یا همان مملوکان، در همه‌گیری‌های طاعون به‌ویژه در سال‌های ۸۴۸ ق، ۹۰۳ ق، ۹۰۴ ق، ۹۱۰ ق و ۹۱۹ ق در مصر و شام کشته شدند،^۵ به نظر می‌رسد که از بین رفتن این غلامان و مملوکان که عمدتاً نیروی نظامی و جنگاور دولت ممالیک بوده‌اند، باعث تضعیف بنیه نظامی دولت مملوکی گردیده است. سلاطین ممالیک برای جایگزین کردن غلامان و مملوکان و تقویت نیروی نظامی خود با وجود ضعف اقتصادی، مبالغی

۱. ابن‌ایاس، *بدائع الزهور*، ج ۳، ص ۲۶۷، ۳۸۷ و ۴۱۱ و ج ۴، ص ۶۳، ۲۹۸، ۲۹۹ و ۳۵۷؛ شبارو، *دولت ممالیک*، ص ۱۵۹.

۲. پایگاه تحقیقاتی بیماری‌های نوپدید و بازپدید، انستیتو پاستور ایران، ذیل کلمه طاعون.

۳. خزائلی، *تاریخ جهان اسلام از قرن هفتم تا دهم هجری*، ص ۱۳۱.

۴. العینی، *مقد الجمان*، ج ۱، ص ۱۹۸؛ السیوطی، *حسن المحاضر*، ج ۲، ص ۳۰۳ و ۳۰۹؛ ابن‌تفری بردی، *النجوم الزاهرة*، ج ۱۰، ص ۳۳۶ و ج ۱۴، ص ۳۴۰ - ۳۳۷ و ج ۱۵، ص ۲۱۰؛ ابن‌حجر، *أنباء الغمر بأبناء العمر*، ج ۳، ص ۴۳۸؛ ابن‌ایاس، *بدائع الزهور*، ج ۳، ص ۳۸۷ و ج ۴، ص ۳۵، ۷۷، ۲۹۸ و ۲۹۹.

۵. ابن‌تفری بردی، *النجوم الزاهرة*، ج ۱۵، ص ۸۴۸؛ ابن‌حجر، *أنباء الغمر بأبناء العمر*، ج ۴، ص ۲۲۴؛ ابن‌ایاس، *بدائع الزهور*، ج ۳، ص ۳۸۷ و ج ۴، ص ۳۵، ۷۷، ۲۹۸ و ۲۹۹.

گزارف برای خرید بردگان جدید و بیشتر، هزینه می‌کردند^۱ که این هزینه‌های مجدد برای خرید بردگان جدید، ضعف بیشتر بنیه اقتصادی ممالیک را به همراه داشت. در بخش آموزشی و تربیتی مملوکان نیز از آنجایی که دولت دوم ممالیک نیاز فوری به تقویت نیروی نظامی خود داشت، بر خلاف دولت نخست ممالیک، که مملوکان خردسال را خریداری و سال‌های متمادی تحت آموزش قرار می‌دادند،^۲ دولت دوم مملوکی، مملوکان بزرگسالی را خریداری می‌کرد که امکان طی دوره صحیح و کامل آموزشی برای آنان وجود نداشت و آنها را با اندک آموزش‌هایی با قید فوریت در اختیار ارتش قرار می‌دادند.^۳ مقریزی این گروه اخیر ممالیک را عامل تضعیف و اضمحلال دولت مملوکی برشمرده است.^۴

به نظر می‌رسد که همه‌گیری وبا و طاعون هرچند به طور غیرمستقیم، باعث از بین رفتن روحیه وفاداری در بین والیان و امرای سپاه مملوکی گردید. چرا که در دوران حاکمیت ممالیک، معمولاً در پی شیوع بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون و گسترش قحطی و گرسنگی و ناتوانی اقتصادی مردم، برخی از سلاطین مملوکی دستور اطعام فقرا و بینوایان و سایر مردم را، توسط ثروتمندان، والیان و امرای سپاه، از محل دارایی شخصی خودشان صادر می‌کردند^۵ که این امر باعث ایجاد نارضایتی عمیق در بین این طبقات مهم اجتماعی، نظامی و حاکمیتی می‌شد، زیرا در بحران‌های مکرر اقتصادی، گروه نامبرده اقطاع نظامی زیادی را از دست می‌داده‌اند^۶ و به گمان آنها صدور چنین دستوراتی هزینه‌های مضاعفی بر آنان تحمیل می‌کرده است و باعث ایجاد نارضایتی آنان و نیروهای تحت حاکمیت‌شان می‌شده است. این امر در سال‌های پایانی دولت ممالیک، باعث خیانت بسیاری از این امرا و نظامیان به دولت ممالیک و برقراری ارتباط پنهانی با دشمنان آنان به‌ویژه عثمانی‌ها و در نهایت باعث اضمحلال دولت ممالیک گردید.^۷

۱. شبارو، دولت ممالیک، ص ۱۵۹.

۲. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۲۱۳؛ ابن‌شاهین ظاهری، زبدة الكشف الممالک و بیان الطريق و المسالك، ص ۲۷؛ عاشور، المجتمع المصري فی عصر سلاطین الممالیک، ص ۲۰.

۳. حسن‌زاده کلشانی، جعفر و مهدی جلیلی، «طباق آموزش‌شده‌های نظامی دولت ممالیک»، مجله تاریخ و تمدن ملل اسلامی، ص ۸۷ - ۸۶.

۴. مقریزی، المواعظ، ج ۲، ص ۲۱۴.

۵. ناصری طاهری، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی، ص ۱۷۶.

۶. ابن‌تقری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۱۴، ص ۳۴۰ - ۳۳۷؛ ابن‌حجر، أنباء الغمر بأبناء العمر، ج ۳، ص ۴۳۸؛ السیوطی، حسن المحاضرة، ج ۲، ص ۳۰۹؛ عبده قاسم، عصر سلاطین الممالیک، ص ۱۹۰.

۷. شبارو، دولت ممالیک، ص ۱۱۹ - ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۳ و ۱۲۴.

از دیگر تبعات اقتصادی شیوع مکرر بیماریهای همه‌گیر بر بخش‌های اقتصادی ممالیک در مناطق ساحلی به‌ویژه بنادر اسکندریه، دمیاط و رشید در مصر و بیروت و طرابلس در شام، و بندر جدّه در حجاز و سایر مناطق ساحلی این بود که ضمن اینکه باعث مرگ‌ومیر ملوانان و تجار و بازرگانان تحت حاکمیت دولت ممالیک می‌شده است، تأثیر منفی نیز بر بخش تجارت و اقتصاد دریایی ممالیک داشته و حتی نیروی دریایی ممالیک نیز در مواردی به علت همه‌گیری این بیماری‌های مهلک دچار خسران و تضعیف شده است.^۱

ابن‌ایاس می‌نویسد:

بندر اسکندریه خراب است و کشتی‌ها در سال کنونی به آن وارد نشده‌اند، بندر جدّه نیز خراب است و کشتی‌های حامل کالا از شش سال پیش به بندر جدّه وارد نشده‌اند، دمیاط نیز چنین است.^۲

از دیگر پیامدهای اقتصادی شیوع مکرر بیماریهای همه‌گیر در سرزمین‌های ممالیک، تعطیلی مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی مردم بود که به تبع آن رکود شدید اقتصادی ممالیک را به دنبال داشت و این امر باعث شد تا گروه‌هایی از کسبه، تجار و بازرگانان و سایر مردمانی که امکان مهاجرت داشتند، از مصر مهاجرت کنند. این کاهش جمعیت فعال اقتصادی مصر، در تضعیف اقتصادی، افول و اضمحلال بخش‌های تمدنی ممالیک بسیار مؤثر بود.^۳ مقریزی در کتاب *إغاثة الأمة بکشف النعمة* می‌نویسد که گرانی شدید که به‌صورت پراکنده در سال‌های متعدد از سال ۷۹۶ ق تا سال ۸۰۸ ق ادامه یافت، ... بحران اقتصادی را تا سال ۸۰۸ ق در پی داشت و در چندین نوبت بیماری وبا و طاعون در آن سال‌ها شیوع یافت و به‌دنبال آن، دیگر قلمرو ممالیک شکوفایی اقتصادی به خود ندید و سرزمین مصر خراب شد و جمعیت آن به نصف تقلیل یافت.^۴

به نظر می‌رسد که سیاست‌های ناکارآمد، منفعل بودن و بی‌تفاوتی دولت ممالیک برجی یا دولت دوم ممالیک، در برابر شیوع مکرر وبا و طاعون، تأثیرات مخرب این بیماری‌های همه‌گیر را بر رعایای ممالیک و زیرساخت‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی آن

۱. مقریزی، *السلوک*، ج ۴، ص ۹۰ - ۷۸۰؛ السیوطی، *حسن المحاضرة*، ج ۲، ص ۳۰۳؛ ابن حجر، *أنباء الغمر بأبناء العمر*، ج ۱، ص ۲۱۹، ۳۵۴، ۴۳۷ و ۴۸۶ و ج ۳، ص ۱۰۷، ۱۹۹ و ۲۱۷؛ السیوطی، *حسن المحاضرة*، ج ۲، ص ۳۰۶؛ مقریزی، *السلوک*، ج ۵، ص ۱۰۱؛ ابن‌ایاس، *بدائع الزهور*، ج ۴، ص ۲۹۵.

۲. ابن‌ایاس، *بدائع الزهور*، ج ۴، ص ۳۵۹.

۳. مقریزی، *السلوک*، ج ۵، ص ۳۶۷.

۴. مقریزی، *إغاثة الأمة بکشف النعمة*، ص ۴۳ - ۴۱.

کشور، دو چندان می‌نمود. همچنین باید گفت که کارنامه و عملکرد بهداشتی ممالیک برجی در قبال بحران بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون بسیار ضعیف بوده است.

باسورت در کتاب *سلسله‌های اسلامی جدید* می‌نویسد: تردیدی نیست که مصر و شام در دوره حکومت مملوکان تا پیش از بحران اقتصادی و جمعیتی قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی از رونق قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند و شکفتگی فرهنگی و هنری بزرگی در زمینه‌های مختلف داشته‌اند ولی از آن پس مرگ سیاه (طاعون) در مصر و شام به‌ویژه خسارات شدیدی وارد آورد ... از این‌رو می‌توان دانست که چرا مملوکان که زمانی دولتی نیرومند بودند، در برابر هجوم امپریالیسم عثمانی شکست خوردند و دچار افول و اضمحلال گردیدند.^۱

تشکیلات ناکارآمد پزشکی در عصر ممالیک برجی

از جمله مهمترین و حساس‌ترین مؤسسات در حوزه تاریخ و تمدن ملل اسلامی که جزو مظاهر ارزشمند بشری است و مستقیماً به سلامتی و نجات جان انسان‌ها مربوط می‌شده است، بیمارستان‌ها و تشکیلات پزشکی، آنان بوده است. کارکرد منظم و کارآمد تشکیلات پزشکی ارتباط مستقیمی با سایر بخش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داشته است، به همان میزان هم ناکارآمدی و مغشوش بودن ساختار و تشکیلات پزشکی می‌توانسته باعث تضعیف سایر بخش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در نهایت اضمحلال حکومت‌ها شود،^۲ چیزی که در دوره دوم حکومت ممالیک (برجی) آثار مخرب خود را برجای گذاشت و موجب پریشانی سایر زیرساخت‌ها و بخش‌های دولت مملوکی گردید.

ممالیک برجی خودشان را ملزم به مداخله در امور بهداشت و درمان مردم و رعایت بهداشت عمومی و نظارت بر امور تغذیه‌ای مردم نمی‌دانستند، چرا که اصولاً در حوزه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی که ممالیک هم جزوی از این حوزه تمدنی بوده‌اند، مداخله و نظارت بر این گونه امور را جزو وظایف اوقاف و امور خیریه می‌دانستند.^۳ این بی‌تفاوتی ممالیک برجی نسبت به امور بهداشتی و درمانی رعایای مسلمان، باعث تداخل در امور پزشکی و مغفول ماندن پاره‌ای از نیازهای حیاتی و ناکارآمدی تشکیلات پزشکی نیمه دوم حکومت ممالیک شد.

۱. باسورت، *سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاهشماری و تبارشناسی*، ص ۱۶۴.

۲. دشتی، «بررسی ساختار و تشکیلات بیمارستان‌ها در تمدن اسلامی»، *مجله علمی پژوهشی اخلاق و تاریخ پزشکی*، دوره ۱۳، ص ۷۷.

۳. عبده قاسم، *عصر سلاطین ممالیک*، ص ۱۳۴ و ۱۴۵؛ دشتی، «بررسی تاریخی منابع مالی تأسیس و اداره امور بیمارستان‌ها و مراکز آموزش پزشکی در تمدن اسلامی»، *مجله علمی پژوهشی تاریخ پزشکی*، دوره دهم، ص ۱۱۹ - ۱۱۷.

ممالیک برجی هیچ اقدام عملی ماندگاری (ساخت بیمارستان، تهیه آب شرب سالم و ...) در حوزه بهداشت و درمان، در کارنامه تمدنی خود و در مجموع در حوزه تمدن اسلامی ارائه نداده و نتوانستند موفقیت‌های درخشان سلف‌شان (در مبارزه با بیماری‌های همه‌گیر و سایر خدمات بهداشتی درمانی) را ادامه دهند. برجی‌ها نه تنها در مبارزه و مهار بیماری‌های همه‌گیر عصرشان هیچ بیمارستان جدیدی، در دوره ۱۳۹۹ ساله حکومتشان نساختند،^۱ بلکه اداره امور بیمارستان‌های از پیش ساخته شده در دوره ممالیک نخست یا بحری نیز، در دوره آنان با خلل مواجه گردید. اقدامات آنها در برابر بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون بیشتر در بعد فرهنگی - مذهبی و آن هم اقداماتی که مستقیماً به بهداشت و درمان و مبارزه با بیماری‌های همه‌گیر ارتباطی نداشته و کاملاً مقطعی و موقت بوده است، قابل بررسی است.

در زمان همه‌گیری بیماری‌های واگیردار در دولت ممالیک برجی - برخلاف سلاطین ممالیک نخستین که خود و ثروتمندان را موظف به رساندن آذوقه دولتی و دارو به مردم و اطعام نیازمندان می‌دانستند - سلاطین و رجال دولتی مواد غذایی و آذوقه مورد نیاز مردم را در زمان ارزانی انبار کرده و در زمان بحران‌های اجتماعی، به جای آنکه آن را در اختیار مردم نیازمند قرار دهند، برای سودجویی بیشتر با قیمت بسیار بالا می‌فروختند.^۲ این عادت و رویه یکی از مذموم‌ترین اقدامات سلاطین و حاکمان این دوره به‌شمار می‌آید.

ممالیک برجی نه تنها در ساخت بیمارستان کارنامه‌ای ندارند بلکه در رسیدگی به احوال طبیبان هم بسیار بد عمل می‌کردند و در زمان شیوع بیماری‌های همه‌گیر، برای سلب مسئولیت از خود، طبیبان را به کم‌کاری و بی‌توجهی متهم و در مواردی آنان را خلع و اخراج می‌کردند^۳ و در مواردی هم آنان را به شکل فجیعی به قتل می‌رساندند، برای نمونه، سلطان برسبای (حک: ۸۲۵ - ۸۴۱ق) دو طبیب مخصوص خود را برای اینکه نتوانسته بودند بیماری او را علاج کنند، سر برید.^۴

به نظر می‌رسد که تشکیلات ناکارآمد پزشکی و بیمارستانی در عصر ممالیک برجی باعث شده تا در حوزه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، نام نیکی حداقل از این منظر از آنان برجای نماند. در اواخر حکومت ممالیک، عدم پیشگیری، کنترل و برخورد با بیماری‌های همه‌گیر وبا و طاعون و تأثیرات مخرب این بیماری‌ها، بر زندگی اجتماعی رعایای ممالیک در مصر و شام، باعث شد تا زیرساخت‌های

۱. بلر و بلوم، هنر و معماری اسلامی (۲)، ص ۲۳۲ - ۲۱۶.

۲. عبده قاسم، عصر سلاطین ممالیک، ص ۱۷۵.

۳. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۱۶، ص ۱۱۷ و ۲۷۴.

۴. حتی، تاریخ عرب، ص ۸۷۷.

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان به گونه‌ای دچار اختلال گردد و هم ممالیک را به ورطه ضعف و اضمحلال سوق دهد و هم عملکرد ضعیفی در کارنامه تمدنی آن دولت به یادگار بگذارد. دولت مسلمان ممالیک در نهایت در سال ۹۲۳ ق / ۱۵۱۷ م توسط امپراطوری عثمانی مورد تهاجم واقع و منقرض گردید.

نتیجه

پیدایش و افول دولت‌های مسلمان و به دنبال آن تمدن اسلامی، از وقایع بزرگ تاریخ تمدن بشری است. انحطاط فرهنگی و تمدنی دولت‌های بزرگ مسلمانان، علل و اسباب متعددی اعم از خارجی و داخلی داشته است. همان‌گونه که عوامل ویرانگر خارجی در افول و اضمحلال دولت‌ها و ملل مسلمان مؤثر بوده‌اند، علل و عوامل داخلی هم از جمله بلایای طبیعی مثل بیماری‌های فراگیر وبا و طاعون، در تضعیف، افول و اضمحلال فرهنگی و بخش‌های تمدنی از جمله اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی ملل مسلمانان نقش داشته‌اند.

از جمله دولت‌های قدرتمند و تأثیرگذار مسلمان در تاریخ و تمدن قرون میانه اسلامی، دولت ممالیک بوده است که نزدیک به سه قرن بر گستره وسیعی از جهان اسلام تسلط داشته‌اند و نقش سیاسی و تمدنی درخور توجهی را ایفا نموده‌اند. در منابع تاریخی مربوط به عصر ممالیک، علل و عوامل مختلف داخلی و خارجی از جمله اقتصادی، اجتماعی، سیاسی - نظامی و تهاجم بیگانگان برای فروپاشی این دولت ذکر شده است ولی موضوع بسیار مهمی که مورد اغفال واقع شده و کمتر مجال از بحث و بررسی علمی یافته، وقوع و شیوع مکرر بیماری‌های واگیر و همه‌گیر وبا و طاعون است که طی سال‌های طولانی و به‌صورت مکرر در قلمرو حکومت ممالیک اتفاق افتاده و تمامی زیرساخت‌های دولت ممالیک را تضعیف و در مواردی، نابود کرده است.

پس از تحقیق و بررسی سیر تطور بیماری‌های مخرب وبا و طاعون در عصر ممالیک، این یافته‌ها حاصل شد که شیوع مکرر بیماری‌های وبا و طاعون در عصر ممالیک تأثیرات عمیقی در ابعاد مختلف ارکان فرهنگی و بخش‌های تمدنی دولت ممالیک داشته و از جهات گوناگون باعث تضعیف و اضمحلال این دولت شده است. از جمله: در بعد اقتصادی که وبا و طاعون ساختار کشاورزی و دامپروری، تجارت زمینی و دریایی، کسب و کار عمومی مردم از جمله حرف و مشاغل و اصناف را تضعیف و در مواردی کاملاً از بین برد و با کاهش مواد غذایی و مایحتاج عمومی مردم، گرانی، قحطی و گرسنگی را برای رعایای ممالیک، و نارضایتی شدید رعایا را برای دولت مملوکی به ارمغان آورد. در بعد

اجتماعی، همه‌گیری‌های مکرر و متعدد بیماری‌های وبا و طاعون باعث کاهش شدید جمعیتی بر اثر مرگومیر مردم و کاهش نرخ جمعیتی رعایای کشاورز دولت ممالیک که در واقع نیروی مولد آن دولت بودند، شد و در مواردی هم مهاجرت شهروندان را در پی داشته است. از بعد فرهنگی - مذهبی نیز باعث گسترش خرافه و عوام‌گرایی به‌ویژه در طبقه حاکمه و وابستگان آنان و افول عقلانیت در عموم مردم آن عصر گردیده است. در بعد نظامی، همه‌گیری‌های وبا و به‌ویژه طاعون خصوصاً در دهه‌های پایانی عمر دولت ممالیک، مرگومیر زیاد و مکرر غلامان و بردگان (مملوکان) که اساس قدرت نظامی دولت ممالیک بودند را در پی داشت. در بعد سیاسی، از بین رفتن حاکمان و اعضای خاندان‌های سلطنتی، سیاستمداران، وزرا و امرای ممالیک در همه‌گیری‌های طاعون و در مواردی وبا، این کشور را به شدت تضعیف و ویران نمود. از دیگر یافته‌های پژوهش این است که سیاست‌های ناکارآمد، منفعل بودن و بی‌تفاوتی ممالیک و نهایتاً تشکیلات ناکارآمد پزشکی در عصر ممالیک برجی، تأثیرات مخرب این بیماری‌های همه‌گیر را بر رعایای ممالیک و زیرساخت‌های مختلف آن دولت دو چندان کرده است و در عمل باعث افول و اضمحلال آن دولت مسلمان و تأثیرگذار در تاریخ ملل اسلامی گردیده است.

منابع و مأخذ

۱. آکسفورد، فرهنگ فشرده پزشکی آکسفورد، ترجمه مصطفی مفیدی، تهران، فرهنگیان، ۱۳۷۵.
۲. ابن‌الوردی، زین‌الدین عمر بن المظفر، تاریخ ابن‌الوردی، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۶ م.
۳. ابن‌ایاس، محمد بن احمد، بدائع الزهور فی وقائع الدهور، المحقق محمد مصطفی، قاهره، هیئة المصری العامة للكتاب، ۱۹۸۴ م.
۴. ابن‌أبیک دواداری، ابوبکر بن عبدالله، کنز الدرر و جامع الغرر، محقق هانس روبرت رویمر، قاهره - مصر، مکتبة المؤید، ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن‌تغری بردی، أبو محاسن جمال‌الدین یوسف، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، تحقیق فهیم محمد شلتوت و عبدالقادر حاتم، قاهره، هیئة المصری العامة للكتاب، ۱۹۷۰ م.
۶. ابن‌حجر العسقلانی، احمد بن علی، أنباء الغمر بأبناء العمر، محقق حسن حبشی، مصر، ناشر المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه - لجنة احیاء التراث الاسلامی، ۱۹۶۹ م.

۷. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۸. ابن شاهین الظاهری، غرس‌الدین خلیل، *زبدة الكشف الممالک و بیان الطرق و المسالك*، مصحح بولس راویس، پاریس، المطبعة الجمهوریه، ۱۸۹۴ م.
۹. ابن صیرفی، علی بن داود، *نزهة النفوس و الأبدان فی تواریخ الزمان*، محقق حسن حبشی، مصر - قاهره، ناشر وزارة الثقافة، مرکز تحقیق التراث، ۱۹۷۰ م.
۱۰. ابن فرات، ناصرالدین محمد بن عبدالرحیم، *تاریخ ابن فرات*، محقق و مصحح قسطنطین زریق، نجلا عزالدین و حسن محمد شماع، بیروت - لبنان، مکتبه المؤید، ۱۹۷۰ م.
۱۱. ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، *المختصر فی أخبار البشر*، طبعه الاولی، مصر، بالمطبعة الحسينية المصر، بی تا.
۱۲. اسماعیل زاده، عبدالرضا، «ایمونوبیولوژی و با»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی زنجان*، ش ۳۴، ص ۶۹ - ۶۱۹، زنجان، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، بهار ۱۳۸۰.
۱۳. باسورث، ادموند کلیفورد، *سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاهشماری و تبارشناسی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.
۱۴. بلر، شیلا و بلوم، جانانان، *هنر و معماری اسلامی (۲)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات سمت با همکاری فرهنگستان هنر ج. ا. ا، ۱۳۸۱.
۱۵. پایگاه تحقیقاتی *بیماری‌های نوپدید و بازپدید*، انستیتو پاستور ایران، ذیل کلمه طاعون.
۱۶. حتی، فیلیپ خلیل، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه، ۱۳۶۶، چ ۲.
۱۷. حسن‌زاده کلشانی، جعفر و مهدی جلیلی، «طباق آموزشکده‌های نظامی دولت ممالیک»، *مجله تاریخ و تمدن ملل اسلامی*، سال یازدهم، ش ۲۱، ص ۹۱ - ۶۳، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۱۸. خزائلی، علیرضا، *تاریخ جهان اسلام از قرن هفتم تا دهم هجری*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۸.
۱۹. دشتی، رضا، «بررسی تاریخی منابع مالی تأسیس و اداره امور بیمارستانها و مراکز آموزش پزشکی در تمدن اسلامی»، *مجله علمی پژوهشی تاریخ پزشکی*، دوره دهم، ش ۳۴، ص ۱۲۲ - ۱۰۹، تهران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، بهار ۱۳۹۷.
۲۰. دشتی، رضا، «بررسی ساختار و تشکیلات بیمارستان‌ها در تمدن اسلامی (از نیمه قرن دوم تا

- نیمه قرن هشتم قمری)، «مجله علمی پژوهشی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۱۳، ص ۹۰ - ۷۵، تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تابستان ۱۳۹۹.
۲۱. السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *تاریخ الخلفاء*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۲۰۱۰ م.
۲۲. السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *حسن المحاضره فی تاریخ مصر و القاهره*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار الحیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۷ م.
۲۳. شبارو، عصام محمد، *دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام*، ترجمه شهلا بختیاری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸، ج ۳.
۲۴. عاشور، سعید عبدالفتاح، *المجتمع المصری فی عصر سلاطین الممالیک*، القاهره، دار النهضة العربیه، ۱۹۹۲ م.
۲۵. عبده قاسم، قاسم، *النیل و المجتمع المصری فی عصر سلاطین الممالیک*، الطبعة الاولى، قاهره، دار المعارف، ۱۹۷۸ م.
۲۶. عبده قاسم، قاسم، *عصر سلاطین الممالیک*، الطبعة الاولى، مصر، دار الشروق، ۱۹۹۴ م.
۲۷. العینی، بدرالدین محمود، *عقد الجمان فی تاریخ اهل الزمان*، مقدمه و حواشیه محمد محمد امین، قاهره، دار الکتب والوثائق القومیه، ۲۰۱۰ م.
۲۸. کثیری، مسعود و راضیه افشاری فر، «تحلیلی بر گسترش بیماری طاعون در دوران فترت و تیموری»، *مجله تاریخ اسلام و ایران*، سال ۲۴، دوره جدید، ش ۲۴، پیاپی ۱۱۴، ص ۱۳۸ - ۱۲۱، تهران، دانشگاه الزهراء، زمستان ۱۳۹۳.
۲۹. کریمیان، نورالله، امامعلی شعبانی و محمد قزوینی نظم‌آبادی، «ضعف و سقوط حکومت ممالیک؛ دلایل و زمینه‌های اقتصادی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، سال ششم، ش ۲۲، ص ۱۰۶ - ۸۳، تهران، بی‌نا، تابستان ۱۳۹۵.
۳۰. المقریزی، تقی‌الدین ابوالعباس احمد بن علی، *إثباته الأمه بکشف الغمه*، تحقیق و النشر محمد مصطفی زیاده و جمال‌الدین الشیال، قاهره، بی‌نا، ۱۹۴۰ م.
۳۱. المقریزی، تقی‌الدین ابوالعباس احمد بن علی، *السلوک لمعرفة دول الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، الطبعة الاولى، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۷ م.
۳۲. المقریزی، تقی‌الدین ابوالعباس احمد بن علی، *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار*، الطبعة الثانيه، القاهره، مکتبه الثقافه الدینیه، ۱۹۸۷ م.

۳۳. میر صالحیان، اکبر و مصیب دالوند، «تاریخچه بیماری‌های عفونی باکتریایی شایع در ایران»، **مجله میکروبیولوژی پزشکی ایران**، سال ۱۲، ش ۴، ص ۲۳۸ - ۲۳۰، تهران، بی‌نا، مهر - آبان ۱۳۹۷.
۳۴. ناصری طاهری، عبدالله، **تاریخ جنگ‌های صلیبی**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
۳۵. ناصری طاهری، عبدالله، **مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا از آغاز تا ظهور عثمانی‌ها**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
36. Kelly, John, "Q & A; with John Kelly on the Great Mortality on National Review Online", web.archive.org. 16/02/2012.
37. Murray PR & other, "Medical Microbiology", 3rd Edition, Mosby, 1998.
38. Perry RD & Fetherston jD, "Yersinia Pestis: etiologic agent of Plague", *Clin Microbiol Reviews*, Vol. 10, No. 1, P. 35 - 66, 1997.

